

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۱۹۸۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ • ۲۸ دی‌التمده ۱۴۴۴ • ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۵۷۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۴۴
اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

شرق

دیالوگ روز

هیج-انرت-۱۹۹۵

هیج (ویل اسمیت): اصل زندگی از لحظاتی که ما نفس می‌کشیم تشکیل نشده بلکه از لحظاتی تشکیل شده که نفسمون رو بند میاره.

یادداشت

خارجی شدن پرستاران ایرانی

به‌تازگی موج مهاجرت پرستاران ایرانی به خارج از کشور اوج گرفته است. مهاجرت تاریخچه و سابقه‌های دارد بس طولانی، به درازای صدها و شاید هزارها سال، اما آنچه امروز می‌گذرد

سرعت‌گرفتن نگران‌کننده مهاجرت افرادی است که کشور به‌شدت محتاج خدمات ایشان است. موضوع نوشته حاضر مهاجرت فارغ‌التحصیلان رشته پرستاری است. شاهدان واقعه مقدمه مدیران بیمارستان‌ها و پرستاران و پزشکان شاغل در بخش خصوصی و مدیران مؤسسات مسئول کشوری هستند از قبیل نظام پرستاری و نظام پزشکی و وزارت بهداشت. هرچند تعداد مهاجران و جزئیات آماری مربوطه در اختیار عموم نیست ولی نشانه‌هایی مهم از این واقعه در دست است. به‌عنوان نمونه از کمبود پرستار باتجربه برای خدمت در بخش‌های مراقبت ویژه می‌توان نام برد. کمبود روزافزون افراد متخصص تا آنجا شدت یافته که در مواردی به کم‌کردن اجباری تعداد تخت‌های مراقبت‌های ویژه یا حتی به تعطیل‌کردن کل بخش منجر شده است. نشانه دیگر را می‌توان در هنگام جست‌وجوی سایت‌ها مشاهده کرد. تعدادی مؤسسه اعلام می‌کنند که تحت شرایطی نسبتاً آسان، برای پرستاران داوطلب مهاجرت، شغل مناسب و محل کار مناسب و حقوق مناسب و ویزای کار و اقامت در کشور مقصد را با دریافت مبلغی نه‌چندان زیاد فراهم می‌آورند. در این آگهی‌ها جدول‌هایی شامل نام کشور مهاجریذیر و نوع کار و حقوق سالانه و نوع قرارداد استخدامی آورده شده است. دایرکنندگان این قبیل مؤسسات کارایی، ایرانیان دارای تجربه ایجاد تسهیلات مهاجرتی هستند که غالباً به همراه شرکت‌های مشابه در کشور مقصد، کار را به سرانجام می‌رسانند. کثرت این مؤسسات تأمل‌برانگیز و تا حدی نگران‌کننده است. موضوع یادگیری زبان کشور مقصد هم مسئله‌ای است که مورد توجه است. طرفه اینکه سازمان نظام پزشکی و حتی وزارت بهداشت هم برگزاری امتحانات بین‌المللی زبان (از قبیل تافل) را تقیل کرده و متصدی دادن گواهی قبولی در امتحان زبان شده‌اند (در قبال دریافت مبلغی نه‌چندان ارزان). ممالک بسیاری خواهان و پذیرای پرستاران تحصیل‌کرده هستند؛ برای مثال می‌توان کشورهای آمریکای شمالی، کانادا، آلمان، انگلستان، فرانسه، استرالیا، کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و… را نام برد. شرایط پذیرش هم داشتن مدرک تحصیلی معتبر کشور مبدأ و قبول شدن در امتحان زبان خارجی به‌ویژه مکالمه آن زبان است (مثلاً داشتن تافل بین ۶۰۵ تا ۷). متوسط حقوق سالانه بین ۴۰ تا ۶۰ هزار دلار باری ۴۰ ساعت کار در هفته است. طبق اعلان‌های آگهی‌های مختلف پذیرش پرستار ممالک میهمان‌پذیر در سال جاری حدود ۵۰ هزار نفر است. مسئولان بهداشت و درمان این ممالک نوشته‌اند که در ۷۰ سال گذشته هیچ‌گاه سیستم‌های بهداشتی و درمانی این ممالک تا این حد محتاج و گرفتار کمبود پرستار آموزش‌دیده و کاردار نبوده‌اند. در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کل پرستاران شاغل در مؤسسات درمانی ممالک فوق، مهاجر خارجی هستند. دو نکته هم درباره این گروه قابل توجه است: اول اینکه اکثریت ایشان اهل قلیبین هستند و دوم اینکه غالباً از خدمات این کشور حرفه‌ای تحصیل‌کرده و سخت‌کوش قدردانی و تحسین می‌شود. در ابتدای نوشته اشاره شد که موج نگران‌کننده‌ای از مهاجرت پرستاران ایرانی به خارج از کشور در حال اوج‌گیری است. در ادامه به دلایل احتمالی بزور این واقعه و بررسی عواقب و راه‌های احتمالی مقابله با آن خواهیم پرداخت. دانش آموخته پرستاری بعد از پایان تحصیلات به گروه صاحبان حرفه می‌پیوندد. حرفه‌ای که مورد احتیاج تمام جوامع است، به‌ویژه جوامعی که در آنها بودجه‌های هنگفت صرف تأمین بهداشت و سلامت می‌شود. جوامعی که گردانندگان و سیاست‌مداران آن مجبور هستند در مواقع مقتضی وعده ارتقای خدمات بهداشتی - درمانی بدهند و در نهایت تمام یا قسمتی از وعده داده‌شده را به فعل دریاورند. چنین روندی منجر به مغناطیسی شدن جامعه برای پرورش پرستار و در صورت مکفی نبودن آن، منجر به پدیده «جذب از خارج» می‌شود. مغناطیس بزرگ به منظور رسیدن به هدف جذب براده‌های آهن، احتیاجات پرستاران مهاجر را بررسی و دسته‌بندی و تأمین می‌کند. شغل مناسب، درآمد مکفی، احترام حرفه‌ای و سایر ملزومات یک زندگی مطلوب از قبیل مسکن، خودرو، بیمه سلامت و امکانات گسترده تحصیلات فرزندان همراه مقداری رزق و برق، و چنین است که براده جذب مغناطیس می‌شود. با گذشت زمان، پرستار مهاجر جذب جامعه میهمان‌پذیر می‌شود و به دعوت از والدین و سایر بستگان نزدیک برای پیوستن به گروه مهاجران می‌پردازد. بقیه سناریو را همه می‌دانیم. فروش منزل آبا و اجدادی و فروش منزل مسکونی و بازکردن حساب بانکی و انتقال پول‌ها به‌صورت ارز به کانادا و… «چنان‌که افتد و دانی»، در ربع قرن گذشته ریل‌گذاری و سیاست خاصی به‌منظور برگرداندن این قشر فرهیخته و ارزشمند به وطن مالوف انجام نشده و در صورت وجود، محسوس عوام نبوده است، می‌ماند جلوگیری از موج مهاجرت.

روش‌های مسبوط علمی و اجتماعی جلوگیری از این مهاجرت زاینمند امری نیست که از دید خواص، به‌ویژه اکابر تصمیم‌گیران سیاست‌های بهداشتی - درمانی کلان کشور پوشیده و مخفی مانده باشد. با در نظر گرفتن اشراق بسط ایشان به امور فوق، این فرضیه مطرح می‌شود که شاید به نظر ایشان و به‌طور کلی، موضوع مهاجرت پرستاران لزومی به توجه جدی ندارد؛ زیرا امری است طبیعی بدون داشتن موجبات نگرانی. تأیید نظر فوق موکول به یک تحقیق مستقل بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضاتی از جانب مراجع معتبر پژوهشی کشور است. هرچند با حمایت معاونت ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف مؤسسه «صدخانه مهاجرت ایران» تأسیس شده که می‌تواند متولی طرح پژوهشی بررسی مهاجرت پرستاران ایران باشد.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۱۹۸۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

از تحسین تا توهین



پویا نعمت‌اللهی

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی

آب برخی مناطق غرب تهران به مدت چند روز و از ساعات ابتدایی صبح تا بعد از نیمه‌شب قطع بود. این وضعیت سپس دام‌گیر چند نقطه دیگر تهران هم شد.

مردم ما با قطعی آب و برق بیگانه نیستند. سال‌ها قبل حتی جدول زمان بندی قطعی در روزنامه‌ها منتشر می‌شد. با پیشرفت امور، این قطعی‌ها نیز کمتر و کمتر شدند.

به همین خاطر است که قطعی آب برای بیش از ۱۶ ساعت به مدت چندین روز متوالی، کاملاً سؤال‌برانگیز بود. سکوت غیرمسئولانه و عدم پاسخ‌گویی سازمان آب و فاضلاب نیز مردم را ناراحت و عصبانی کرده بود. پاسخ‌گویی نوعی فرایند است که از درک نیاز مخاطب آغاز شده و به پاسخ‌یابی و تنظیم پیام و فرستادن آن از مجاری درست و نه‌اینتا اطمینان از افق مخاطب منتهی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که رسالت مهم روابط‌عمومی را همان پاسخ‌گویی می‌دانند.

اما پشت صحنه این قطعی آب گویا چیز دیگری بود. در حالی که دولت و وزارت نیرو و سازمان آب در حال فحش خوردن بودند، اما کارشناسان، مهندسان و کارگران این شرکت در مبارزه‌ای نفس‌گیر به جنگ شرایط بسیار خطرناکی رفته بودند که اگر تدبیر آنان نبود، چه‌بسا بحران بسیار بزرگ‌تری گریبان تشکیلات آب منطقه‌ای تهران و البرز را می‌گرفت. در ابتدا و هنگامی که قطعی آب فقط در غرب تهران وجود داشت، اصولاً نیاز با الزامی به ارائه توضیحات احساس نمی‌شد؛ اما با گسترده‌ترشدن بحران در سطح تهران می‌بایستی توضیحات قابل قبولی برای مردم ارائه می‌شد و فقط در این موقعیت بود که برخی ابعاد ماجرا از پرده بیرون افتاد. سؤال در این است که چرا باید این اطلاعات در آخرین روزهای بحران ارائه شود؟ این کشور بحران‌های زیادی به خود دیده و حقیقتاً صبر و تحمل مردم بوده که امکان عبور از بحران‌ها را فراهم آورده است.

چرا مسئولان تا این اندازه به مردم بی‌اعتماد هستند که چیزی از شرایط بحرانی (که منجر به

جهان‌خوانی

از فروش جزایر تا خرید ملک



محمود فاضلی

بدهی عظیم و خطر فروپاشی کامل اقتصادی، سیاست‌مداران یونان را وادار به استعراض از نهادهای بین‌المللی کرد. در این راستا، در سال ۲۰۱۰ توافق میان یونان و شورای سه‌جانبه متشکل از نمایندگان اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت و کمکی به مبلغ چهار میلیارد یورو به یونان اختصاص داده شد. بدهی یونان در سال ۲۰۰۹، معادل ۱۲.۷ درصد از درآمد سالانه این کشور بود که خیلی بیشتر از محدوده مجاز سه درصد برای اتحادیه اروپا بود. این شورا برای حصول اطمینان از توانایی یونان در بازپرداخت بدهی خود، الزاماتی را برای اصلاحات اقتصادی به این کشور تحمیل کرد.

سیاست‌ریاضت اقتصادی

با آنگکارشدن وضعیت به بن‌بست رسیده اقتصاد یونان

و مؤثر واقع‌نشدن سیاست ریاضت اقتصادی پیشنهادی وام‌دهندگان در اواخر سال ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای جلوگیری از ورشکسته‌شدن این عضو اتحادیه و حوزه یورو، تزویک توافق کردند که ۱۳۰ میلیارد یورو دیگر طرف مدت سه سال، مشروط بر حضور یونان در بازپرداخت بدهی خود، الزاماتی را برای اصلاحات اقتصادی به آتن کمک مالی ارائه دهند. البته این کمک مالی نیز با اجرای شروط؛ کاهش تعداد ۱۵۰ هزار نفر از نیروی انسانی ادارات دولتی از طریق بازنشستگی، اخراج یا تعلیق، فروش و واگذاری تعدادی از شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، ادغام تعدادی زیادی از ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی به منظور کاهش هزینه‌ها، افزایش سن بازنشستگی، کاهش حقوق و مزایای کارکنان و بازنشستگان، مطرح شد. عامل اصلی مهار بحران اقتصادی یونان، کمک خارجی بود. این کشور بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، در ازای اجرای برنامه ریاضت اقتصادی بیش از ۲۶۰ میلیارد یورو کمک مالی از اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول دریافت کرد. ازجمله برنامه ریاضت اقتصادی که در چارچوب اصلاحات مدنظر نهادهای بین‌المللی در یونان اجرا شد، می‌توان به



• کاهش بیابای میانگین بارندگی نسبت به میانگین بلندمدت در استان زنجان باعث شده تا بسیاری از سدهای کوچک محلی خشک شود. سدهای بزرگ و استراتژیک این استان نیز همگی کمتر از ۵۰درصد ظرفیت خود آب دارند. عکس: احسان تقی‌بیگلر، ایسنا

یادداشت

لایحه‌ای بدون برنامه



علیرضا سلطانی

لایحه برنامه هفتم توسعه قرار بود هفته گذشته از سوی دولت برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شود که عملاً این اتفاق صورت نگرفت. سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم اواخر اردیبهشت با برگزاری همایشی متن سند پیشنهادی برنامه هفتم را رونمایی و منتشر کرد. انتظار می‌رفت این سند باافاصله به مجلس ارسال شود تا فرایند بررسی و تصویب لایحه بودجه اولین سال برنامه در راستای احکام برنامه مصوب دولین شود، تا زمان نامشخصی به تعویق افتاده است. این تعویق نگرانی‌هایی را نسبت به تأخیر در روند بررسی و تصویب قانون برنامه هفتم در مجلس ایجاد کرده است؛ چه اینکه قاعدتاً لایحه بودجه سهال آینده کشور که هم‌اکنون سازمان برنامه و بودجه در حال تدوین آن است باید بر مبنای قانون برنامه هفتم توسعه نوشته شود. بنابراین درحالی‌که هنوز برنامه هفتم وارد فاز تصویب در مجلس نشده، لایحه بودجه سال آینده در حال تدوین است و این یک تناقض یا بی‌برنامگی بزرگ در ساختار برنامه‌ریزی کشور است. به‌طور منطقی اسناد برنامه‌های میان‌مدت توسعه‌یافتگ یک سال زودتر از زمان پایان برنامه فرایند قانونی تصویب را بگذرانند تا لایحه بودجه اولین سال برنامه در راستای احکام برنامه مصوب تدوین شود. فرایند تدوین لوائح بودجه هم تقریباً از ابتدای هر سال شروع می‌شود. بنابراین باید گفت که با توجه به فرایند زمان‌بر بررسی و تصویب لایحه برنامه در مجلس به فرض ارسال لایحه از سوی دولت به مجلس در آینده نزدیک، اجرای این لایحه به سال آینده (۱۴۰۳) هم به احتمال نخواهد رسید و کشور مانند دو سال گذشته بدون برنامه اداره خواهد شد. هرچند بود و نبود برنامه برای ایران هیچ تفاوتی ندارد و این تجربه ۲۰ساله اخیر است.

اما اینکه چرا برنامه هفتم توسعه که می‌بایست در سال ۱۳۹۹ یا اوایل ۱۴۰۰ انجام می‌شد، به چنین سرنوشتی یعنی بی‌برنامگی دچار شده است، جای تامل و بررسی بسیار دارد. اصولاً مدیریت سیاسی کشور از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برنامه‌ای دور شده و به دلیل شرایط پرشتاب و پرنوسان به این مهم اعتقادی ندارد. در کشوری که دچار تحولات و چالش‌های سیاسی گسترده و متعددی است و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی عموماً متأثر از تحولات سیاسی داخلی و خارجی است، به‌طور طبیعی برنامه و برنامه‌ریزی توسعه معنایی ندارد؛ چه اینکه از ابتدای دهه ۱۳۸۰ درگیرشدن ایران با پرونده هسته‌ای، بالاکرتن تنش‌های سیاسی و اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های بی‌سابقه اقتصادی، عملاً ماشین برنامه‌ریزی توسعه‌ای ایران را به حاشیه برده و برنامه‌های توسعه‌ای شامل سند چشم‌انداز ۲۰ساله و سند برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه را خلع سلاح و بلائاز کرده است. درواقع در طول ۲۰ سال گذشته کشور نه بر اساس برنامه بلکه بر مبنای تحولات و نوسانات سیاسی و به صورت روزمره اداره شده است؛ چراکه سنگینی و حجم گسترده متغیرهای سیاسی آن هم از نوع منفی اجازه مانور برنامه‌های توسعه را نمی‌دهد. در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه‌ای و برنامه‌های توسعه‌ای اعم از سند چشم‌انداز ۲۰ساله و برنامه‌های پنج‌ساله چهارم تا ششم همگی به محاق رفته و به چیزی جز شیخ تبدیل نشده است. این تحلیل گذشته از آن است که باید تأکید شود اصلاً برنامه‌ریزی توسعه‌ای در ایران، سنتی، ناکارآمد و گذشته‌گراست و به فرض فراهم‌بودن شرایط سیاسی مناسب، باز هم این شکل و کیفیت برنامه‌ریزی توسعه‌ای در ایران، دست‌اوڑ توسعه‌ای برای کشور نخواهد داشت. درخصوص وضعیت برنامه هفتم در ماه‌های اخیر گویا در بدنه دولت به سر ماهیت و رویکرد برنامه اختلاف نظر وجود داشته و دارد و متن پیش‌نویس و منتشره حاصل خرد جمعی دولت نیست؛ به گونه‌ای که متن حاضر که هم‌اکنون در اختیار رسانه‌هاست علاوه بر مخالفان جدی در دولت و نظام برنامه‌ریزی کشور، با مخالفت جدی مجلس و کمیسیون‌های تخصصی و همچنین مرکز پژوهش‌ها به لحاظ کمی و کیفی مواجه شده است و ظاهراً بر اساس رایزنی‌های صورت‌گرفته مجلس از دریافت این لایحه امتناع کرده و مقرر شده دولت در متن سند تغییرات مدنظر مجلس را به لحاظ شکلی و محتوایی داده و متن اصلاحی را با تأخیر به مجلس ارائه کند. نکته قابل توجه اینکه با وجود گذشت یک ماه از انتشار متن سند از سوی دولت، محافل علمی، کارشناسی و حتی رسانه‌ها واکنشی مثبت یا منفی نسبت به آن نداشتند و عملاً از کنار آن عبور کرده‌اند. دولت و سازمان برنامه نیز تحرکی برای تبلیغ یا تبیین آن در سطح عمومی و کارشناسی کشور نداشتند گویا خود آنها نیز به این متن اعتقادی ندارند. نکته دیگری که می‌تواند بر نگرانی‌ها اضافه کند، کیفیت بررسی و تصویب برنامه به مجلس با توجه به در پیش بودن انتخابات مجلس در پایان سال و درگیری نمایندگان حاضر با فعالیت‌های انتخاباتی استست به این معنا که نمایندگانی که قرار است قانون برنامه هفتم را تصویب کنند به دلیل مشغله انتخاباتی، تمرکز و حساسیتی روی مفاد و محتوای برنامه نخواهند داشت. نتیجه اینکه برنامه هفتم که باید ضلع چهارم سند ۲۰ساله کشور در افق ۱۴۰۴ را تکمیل کند به احتمال زیاد اولین سال اجرای آن با آخرین سال سند ۲۰ همخوانی دارد این به معنای عقب‌ماندگی چهارساله سند چشم‌انداز ۲۰ساله است. هرچند باید اذعان کرد که با توجه به آنچه بر سند چشم‌انداز ۲۰ساله رفته، از این سند نیز چیزی جز یک متن، باقی نمانده است.

قطعی گسترده آب تهران شده است) را برای مردم بازگو نمی‌کنند؟

اگر مردم در جریان زوایای این بحران قرار داشتند، بدون تردید بردباری و متانت همیشگی را به خرج می‌دادند. مردم ما همواره به خادمان خود احترام می‌گذارند؛ اما این شیوه اطلاع‌رسانی، غلط، نه‌تنها اعتراض‌های وسیعی را برانگیخت، بلکه تمامی تلاش‌ها و زحمات کارکنان، مهندسان، پیمانکاران و کارگران این صنعت را در رفح بحران اخیر تحت‌الشعاع قرار داد. اکنون سؤال بزرگ‌تر این است که سازمان آب و فاضلاب (وزارت نیرو) تحت چه منطقی تصمیم گرفت که این همه ناسزا و بدگویی را برای خود و دولت سیزدهم به جان بخرد اما قضیه بحران را از همان ابتدا افشا نکند؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که پذیرش بروز بحران، مستلزم سطوح بالاتری از پاسخ‌گویی و الزام به گزارشگری و شفاف‌سازی و خیربررسی است که این ناگزیری اساساً چندان با مذاق مدیران و متولیان دستگاه‌ها سازگار نیست.

در چهارمین روز بعد از قطعی‌ها بود که رئیس‌کل دادگستری استان البرز اطلاع داد با برداشته‌شدن موانع، عملاً در ساعات آینده امکان ادامه فرایند تأمین آب شرب مناطق هدف آغاز می‌شود. این نشان می‌دهد که گویا اولاً مدیریت بحران در دست سازمان آب و فاضلاب نیست و دوما مدیریت اطلاع‌رسانی بحران هم در دست روابط‌عمومی قرار ندارد.

بنابراین به لحاظ رسانه‌ای می‌توان سه پرسش کلیدی را مطرح کرد: ابتدا اینکه چرا سازمان آب و فاضلاب سخنگوی بحران ندارد؟ دوم اینکه چرا از ابتدا موضوع به طور جدی اطلاع‌رسانی نشد (با حداقل در اواخر ماجرا وارد فرایند اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی شد) و سوم اینکه چه محذوراتی در کار بود که روابط‌عمومی تا این حد از ماجرا کنار گذاشته شد؟ شاید بخشی از جواب را بتوان در معناى بحران پیدا کرد؛ جایی که مواجهه با این موقعیت‌ها متناظر سطوحی از اطمینان و اعتماد‌به‌نفس و باور به پدیداری مجدد تعادل است. متولیان امر متأسفانه موقعیتی را که می‌توانست ملازم تحسین، تهییج، خودباوری، ایثار، کوشش و همسنگی باشد، تبدیل به موقعیت ناله و نفرین و بلا و خفت و بهتان و بدزبانی کردند. در طول این روزها که از مواجهه تهرانی‌ها با قطعی آب می‌گذرد، به‌طور مکرر قرار است شبکه از «فردا» به پایدار برسد.

به هر حال این شبانه هنوز در اذهان عمومی پابرجاست که علت واقعی مشکلات اخیر شبکه توزیع آب چیست؟

از حدود سه میلیارد یورو فراتر نرفت.

انتظارات برآورده نشد

تاریخچه فروش جزایر خصوصی در یونان چندین دهه است که ادامه دارد و گاه سرمایه‌گذاران ثروتمند را جذب می‌کنند یا سرمایه‌گذاری‌های عظیم میلیارد‌ها یورویی را نوید می‌دهند. با وجود انتظارات زیادی که وجود داشت، هیچ‌یک از طرح‌های بزرگ پیش نرفت و هیچ برنامه سرمایه‌گذاری اجرا نشد یا به دلیل برخورد با بوروکراسی یا به دلیل آن پولداران قدرتمند که یونان را انتخاب کرده بودند. یونان دارای شش هزار جزیره است که تعدادی زیادی از آنها صخره‌ای هستند که برای فروش آنها تبلیغ می‌شود. برای خرید جزیره در یونان به استثنای مواردی که در مناطق حساس ملی (نزدیک مرزهای ملی و…) قرار دارند، دریافت شماره مالیات بر ارزش افزوده از اداره مالیاتی، پاسپورت معتبر و همچنین مدرک مبدأ‌وجوهی که برای خرید اختصاص داده می‌شود، الزامی است.

شاید کسانی را که توانستند جزیره خود را در یونان به دست آورند، بتوان روی انگشتان دست حساب کرد. ازجمله نام‌های بزرگ تاریخ تجارت می‌توان به «اوناسیس» اشاره کرد. او آن را در سال ۱۹۶۳ خرید و پس از تبدیل آن به باشکستی کوچک و در کنار شهرتورین زنان زندگی خود (ماریا کالاس و ژاکلین کندی اوناسیس) در آنجا زندگی کرد. قبل از اوناسیس، استاوروس نیرخوس (یکی از ثروتمندان یونان) در اواسط دهه ۱۹۵۰ جزیره خود را به دست آورده بود. او در زمینه کشتی‌سازی فعالیت داشت و زمانی بزرگ‌ترین ناوگان حمل سوخت در اختیار او بود.

خرید ملک

دولت یونان در سال ۲۰۱۳ به این نتیجه رسید که برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذار خارجی بهتر است روند اعطا شهروندی را آسان کند. این اقدام یکی از کم‌هزینه‌ترین راهکارهای اخذ اقامت در این کشور است؛ اما مانند هر کشور دیگری برای سرمایه‌گذاران غیر اتحادیه اروپا که در یونان اقدام به خرید ملک می‌کنند، بر اساس منطقه‌ای که ملک در آن قرار دارد، محدودیت‌هایی اعمال می‌شود. خرید ملک در مناطقی مانند خط ساحلی، مرزها و مناطق تاریخی به مجوز ویژه از مقامات بالاتر نیاز دارد. همچنین بنا بر دلایل امنیتی تصور می‌شود یونان می‌تواند تا پنج سال ۵۰ میلیارد یورو از محل فروش اموال و دارایی‌های جذب کند. درحالی‌که در واقعیت منابع به‌دست‌آمده از فروش دارایی‌ها شامل جزایر اروپا با دشواری‌هایی روبه‌رو است.